

Legitimization through Security: The Construction of the Zionist Regime in Netflix Series (۲۰۱۳-۲۰۲۳) Case Study: Fauda

Seyed Majid Emami, Assistant Professor, Department of Culture and Communications, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communications, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: s.m.emamy@isu.ac.ir

Fatemeh Shahrabi Farahani, Ph.D. Candidate, Department of Culture and Communication, Baqir-ul-Uloom University, Qom, Iran. Email: shahrabi84@gmail.com (Corresponding Author)

Abstract

Introduction: In today's world, films and television series, as multidimensional and influential media forms, play an increasingly significant role in shaping public opinion and representing political discourses. In recent years, this function has acquired new dimensions within online streaming platforms, particularly Netflix, which, through its global accessibility and content strategies, has become an influential actor in cultural and media diplomacy. This study examines the representation of the Zionist regime in Netflix-distributed series between ۲۰۱۳ and ۲۰۲۳, with a particular focus on the series *Fauda*. The research seeks to explore how media collaborations contribute to the dissemination and legitimization of specific political and cultural discourses.

Methods: This study employs a qualitative approach based on Stuart Hall's theory of representation and uses semiotic analysis to examine the series *Fauda*.

Results: The findings indicate that the central concept in *Fauda* is "security," which functions as both a moral capital and a legitimizing framework for the regime's intelligence and military institutions. The series emphasizes themes such as counterterrorism, external threats, and national protection while marginalizing or omitting narratives related to occupation, Palestinian civilian suffering, and human rights violations. In addition, Palestinian resistance movements are frequently portrayed as extremist and destabilizing forces.

Discussion: The study concludes that *Fauda*, through selective representation and narrative exclusion, constructs a heroic, sympathetic, and legitimate image of the Zionist regime's security apparatus. By foregrounding security discourse and suppressing critical perspectives, the series operates as a media instrument that supports the cultural and diplomatic objectives of the Zionist regime and contributes to the international normalization of its political image.

Keywords: Netflix, Zionist regime, representation theory, semiotics, Fauda

«بسم الله الرحمن الرحيم»

مشروع سازی از مسیر امنیت؛

برساخت رژیم صهیونیستی در سریال های نتفلیکس (۲۰۱۳-۲۰۲۳)

مطالعه موردی: سریال فتودا

چکیده

در جهان امروز، فیلم و سریال، به عنوان رسانه هایی چندوجهی و اثرگذار، نقشی فزاینده در شکل دهی به افکار عمومی و بازنمایی گفتمان های سیاسی ایفا می کنند. در سال های اخیر، این کارکرد در بستر پلتفرم های پخش آنلاین، به ویژه نتفلیکس، ابعاد جدیدی یافته است؛ پلتفرم هایی که با دسترسی جهانی گسترده و سیاست گذاری محتوایی مشخص، به بازیگرانی مؤثر در عرصه دیپلماسی فرهنگی و رسانه ای بدل شده اند.

پژوهش حاضر با هدف تحلیل بازنمایی رژیم صهیونیستی در سریال های پخش شده از نتفلیکس طی سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳، با تمرکز بر سریال فتودا، بررسی می کند که چگونه این پلتفرم به گسترش گفتمان های خاص سیاسی و فرهنگی یاری می رساند. مسئله اصلی تحقیق آن است که رژیم صهیونیستی از خلال این همکاری رسانه ای چه تصویری از خود بازنمایی می کند و این تصویر چگونه در فرایند مشروعیت سازی این رژیم نقش آفرین است. این مطالعه با رویکرد کیفی، بر مبنای نظریه بازنمایی استوارت هال و با روش نشانه شناسی انجام شده است.

یافته ها نشان می دهد که مفهوم محوری سریال «امنیت» است؛ مفهومی که به عنوان سرمایه اخلاقی و بردار مشروعیت بخش رژیم صهیونیستی، سرشت نیروهای اطلاعاتی و نظامی رژیم را شکل می دهد. مفاهیمی همچون بی توجهی به جان غیرنظامیان فلسطینی، افول جریان های افراطی در فلسطین و حذف روایت های مرتبط با اشغالگری و نقض حقوق بشر توسط رژیم، در خدمت تثبیت این گفتمان امنیت محور قرار گرفته اند. سریال با کنار گذاشتن روایت های انتقادی و تمرکز بر تهدیدات خارجی، تصویری قهرمانانه، همدلانه و مشروع از نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی ارائه می دهد و از این رهگذر، به عنوان ابزاری رسانه ای در پیشبرد اهداف فرهنگی و دیپلماتیک این رژیم عمل می کند.

واژگان کلیدی:

نتفلیکس، رژیم صهیونیستی، نظریه بازنمایی، نشانه شناسی، سریال فتودا

پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و کاهش فاصله‌های مکانی، جهانی را پدید آورده که در آن، افزون بر دولت‌ها، قدرت مردم، فرهنگ و رسانه‌ها نیز به بازیگران مؤثر در روابط بین‌الملل تبدیل شده‌اند؛ به گونه‌ای که این مؤلفه‌ها در بسیاری موارد از قدرت نظامی و تسلیحاتی نیز اهمیت بیشتری یافته‌اند. در جهان امروز، سیاست‌مداران و صاحبان قدرت به خوبی دریافته‌اند که بیش از هر زمان دیگری برای جهت‌دهی به اخبار، اطلاعات و تحلیل‌ها نیازمند سلطه بر فضای رسانه‌ای هستند (حسینی، افضل‌ی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۲۹) تا بتوانند محیطی رسانه‌ای مطابق با منافع خود بسازند.

در حقیقت رسانه‌ها اکنون نقشی فراتر از اطلاع‌رسانی دارند و به ابزارهایی سیاسی و دیپلماتیک برای دولت‌ها بدل شده‌اند. آن‌ها می‌توانند از طریق بازنمایی تصویری، در دفاع از سیاست‌های خارجی ایفای نقش کنند و با مشروعیت‌بخشی به اقدامات دولت‌ها، پیام‌های دیپلماتیک را به نخبگان و افکار عمومی جهانی منتقل نمایند (خسروی، رزمجو، عنایتی، ۱۳۹۴: ۱۳۸).

در میان رسانه‌های مختلف، فیلم و سریال به عنوان پدیده‌ای چندوجهی و صنعتی بزرگ، جایگاه برجسته‌ای یافته‌اند. این محصولات با بهره‌گیری از ظرفیت‌های زیبایی‌شناختی و تحریک احساسات، می‌توانند تأثیری عمیق بر مخاطب داشته باشند؛ امری که اثربخشی آن‌ها را از سایر رسانه‌های جمعی متمایز می‌سازد. همین توانمندی موجب شده سیاست‌مداران برای شکل‌دهی به افکار عمومی، از این صنعت به مثابه ابزاری نرم بهره ببرند و از آن برای تقویت گفتمان خود یا به چالش کشیدن گفتمان‌های مسلط استفاده کنند.

در نظام رسانه‌ای امروز، رژیم صهیونیستی نمونه‌ای بارز از بهره‌برداری راهبردی از صنعت تصویر برای تحقق اهداف سیاسی و فرهنگی خود به شمار می‌رود. این رژیم در دو دهه اخیر به طور فزاینده‌ای از ظرفیت سینما و تلویزیون برای پیشبرد اهداف خود بهره برده است و تلاش می‌کند با بهره‌گیری از مضامینی چون هویت ملی، تروماهای جمعی و درگیری‌های منطقه‌ای، تصویری همسو با گفتمان جهانی حقوق بشر از خود ارائه دهد. در این راستا، تأکید بر ابعاد انسانی بحران‌ها و پرداخت روایتی به‌ظاهر واقع‌گرایانه و انسان‌دوستانه از تاریخ منازعات، در دستور کار تولیدات رسانه‌ای رژیم صهیونیستی قرار گرفته است (Yosef, ۲۰۲۳) در این چارچوب، پلتفرم‌های پخش آنلاین با انتشار محتوای رژیم صهیونیستی در سطح جهانی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛ از جمله اپل تی‌وی پلاس^۱، اچ‌بی‌او مکس^۲، آمازون پرایم^۳ و نتفلیکس^۴.

^۱ Apple TV+

^۲ HBO Max

^۳ Amazon Prime

^۴ Netflix

در این میان، نتفلیکس جایگاهی ویژه دارد. این پلتفرم با ارائه مجموعه‌ای گسترده و متنوع از آثار رژیم صهیونیستی مانند «فتودا»^۱، «شتیسل»^۲، پلیس خوب^۳ و فضای سیاه^۴ و امکان دسترسی چندزبانه از طریق زیرنویس و دوبله، مخاطبان فراملی را قادر ساخته تا این محتواها را به راحتی مشاهده کنند به طوری که در سال ۲۰۲۳ این آثار مجموعاً ۳۶۲,۵ میلیون ساعت تماشا را به خود اختصاص دادند، در حالی که سایر پلتفرم‌ها تعداد سریال‌ها و ساعات تماشای کمتری داشتند. این داده‌ها نشان می‌دهد که نتفلیکس نه تنها از نظر تعداد و تنوع آثار پیش‌تاز است، بلکه نقش مهمی در دسترسی جهانی و گسترش روایت‌های رژیم صهیونیستی ایفا می‌کند (FlixPatrol, ۲۰۲۳).

افزون بر این، نباید فراموش کرد که نتفلیکس یک پلتفرم آمریکایی است و بخش عمده مالکیت آن در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی بزرگ آمریکایی قرار دارد، مانند گروه وانگارد و بلک‌راک که مدیریت دارایی‌های کلان را بر عهده دارند (Hanson, ۲۰۲۵). این ساختار مالکیتی موجب می‌شود تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و محتوایی نتفلیکس، از جمله تولید و پخش آثار مرتبط با رژیم صهیونیستی، با منافع اقتصادی و سیاست‌های راهبردی ایالات متحده هماهنگ و همسو باشد.

روابط میان ایالات متحده و رژیم صهیونیستی از مستحکم‌ترین روابط خارجی آمریکا به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که آمریکا تنها ۱۱ دقیقه پس از اعلام تأسیس دولت رژیم صهیونیستی در ۱۴ مه ۱۹۴۸، آن را به رسمیت شناخت (آهوی، ۱۳۹۰: ۱۰۱ و ۱۰۶). رؤسای جمهور آمریکا نیز همواره حمایت بی‌قید و شرط خود را از این رژیم اعلام کرده‌اند (لویس، ۱۳۸۲: ۲۱۷). در چنین زمینه‌ای، همکاری رسانه‌ای میان رژیم صهیونیستی و نتفلیکس بخشی از پروژه‌ای گسترده‌تر به شمار می‌رود که با اتکا به رسانه‌های دیجیتال، به دنبال تقویت جایگاه بین‌المللی این رژیم و تحقق اهداف فرهنگی و دیپلماتیک آن است.

از سوی دیگر، سران رژیم صهیونیستی نیز به وضوح اذعان کرده‌اند که بقای آن‌ها تا حد زیادی وابسته به حمایت‌های مالی و رسانه‌ای ایالات متحده است؛ موضوعی که نشان‌دهنده عمق وابستگی و پیوندهای استراتژیک میان دو طرف است (مستکین، ۱۳۸۳: ۳۰۰). در همین راستا، صنعت رسانه‌ای آمریکا، به ویژه پلتفرم‌هایی مانند نتفلیکس، نقش ابزاری کلیدی در پیشبرد سیاست‌های خارجی این کشور و حمایت از رژیم صهیونیستی ایفا می‌کند و امکانات گسترده خود را در اختیار روایت‌سازی این رژیم قرار می‌دهد.

بر این اساس، هدف این پژوهش بررسی سریال‌های نتفلیکس در بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ است؛ با تمرکز ویژه بر سریال «فتودا»^۵ به عنوان مطالعه موردی. پرسش محوری پژوهش این است که رژیم صهیونیستی در این همکاری رسانه‌ای چه تصویری از خود ارائه می‌دهد و این تصویر چگونه به تقویت اهداف فرهنگی و دیپلماتیک آن در سطح بین‌المللی کمک می‌کند.

^۱ Fauda

^۲ Shtisel

^۳ The Good Cop

^۴ Black Space

^۵ Fauda

نتفلیکس

نتفلیکس که در سال ۱۹۹۷ توسط رید هستینگز^۱ و مارک راندولف^۲ تأسیس شد، در ابتدا به عنوان یک سرویس اجاره دی وی دی فعالیت می کرد. با پیشرفت فناوری و گسترش دسترسی به اینترنت، این شرکت در سال ۲۰۰۷ مدل کسب و کار خود را به استریم آنلاین تغییر داد و به یکی از پیشروان این صنعت تبدیل شد. در سال ۲۰۱۳، نتفلیکس تولید محتوا را با سریال «خانه پوشالی»^۳ آغاز کرد و به طور چشمگیری سرمایه گذاری خود را در این حوزه افزایش داد. میزان هزینه های تولید محتوای این شرکت از ۸٫۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۱۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسید و این روند صعودی همچنان ادامه دارد (Frey, ۲۰۲۳).

یکی از ویژگی های کلیدی نتفلیکس استفاده از تحلیل داده ها و سیستم های توصیه گر پیشرفته است. این شرکت با تجزیه و تحلیل داده های رفتاری کاربران، الگوریتم هایی را توسعه داده است که به طور شخصی سازی شده پیشنهادهایی ارائه می دهند. این فناوری موجب افزایش تعامل کاربران با پلتفرم و تغییر الگوهای مصرف رسانه ای شده است، چرا که تجربه تماشای محتوا به طور ویژه برای هر فرد بهینه سازی می شود.

نتفلیکس اکنون در بیش از ۱۹۰ کشور فعال است و مجموعه ای گسترده از محتوای چندزبانه را در اختیار کاربران خود قرار می دهد. علاوه بر توزیع فیلم ها و سریال ها، این شرکت با همکاری فیلم سازان و استودیوهای محلی، محتوای اختصاصی و متناسب با نیازهای منطقه ای تولید کرده است. این استراتژی به طور هم زمان موجب جذب بیشتر کاربران و تسهیل جهانی سازی محتوای سینمایی و تلویزیونی شده است. در نتیجه، نتفلیکس توانسته است مدل های سنتی تولید و توزیع محتوا را متحول کند و به یکی از تأثیرگذارترین پلتفرم های رسانه ای جهانی تبدیل شود (همان).

تصویری سازی و رسانه ها

در جهان معاصر، تصویر به یکی از بنیان های اصلی در تولید و سامان دهی ادراک انسان از واقعیت اجتماعی تبدیل شده است. در منطق رسانه ای معاصر، تصویر صرفاً بازتابی از رویدادها نیست و چون عاملی فعال، معنا و تجربه زیسته را شکل می دهد. ژان بودریار^۴ در «وانموده ها و وانموده»^۵ نشان می دهد که تصویر از سطح بازنمایی فراتر رفته و به جای واقعیت نشسته است؛

^۱ Reed Hastings

^۲ Marc Randolph

^۳ House of Cards

^۴ Jean Baudrillard

^۵ Simulacra and Simulation

به گونه‌ای که تجربه انسان دیگر بر پایه مواجهه مستقیم با امر واقعی استوار نیست، بلکه در شبکه‌ای از وانموده‌ها و لایه‌های تصویری شکل می‌گیرد و امر واقعی از دسترس ادراک انسانی خارج می‌شود. گی دبور^۱ نیز در «جامعه نمایش»^۲ بر همین منطق تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که در نظام اجتماعی مدرن، روابط انسانی در قالب تصاویر سازمان می‌یابند و حقیقت به سطح بازتولید تصویری فروکاسته می‌شود. در این شرایط، تصویر به ابزار سامان‌دهی تجربه جمعی و تثبیت مناسبات قدرت بدل می‌گردد و مرز میان امر واقعی و امر نمایشی از میان می‌رود.

بر این اساس، این پژوهش بر مفهوم تصویر و فرایند تصویرسازی تمرکز دارد؛ فرایندی که در سطحی گفتمانی عمل کرده و از طریق چارچوب‌بندی‌های معنایی، واقعیت اجتماعی را بازتولید و تثبیت می‌کند.

نظریه «بازنمایی»

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر رویکرد برساختی استوارت هال به نظریه بازنمایی است. هال، از پیشگامان مطالعات فرهنگی، بازنمایی را فرایندی می‌داند که معنا را از طریق سازمان‌دهی، دسته‌بندی و مدیریت مفاهیم تولید می‌کند. این معنا نه به شکل یک نظام منفرد، بلکه از طریق روابط پیچیده میان مفاهیم شکل می‌گیرد.

بر اساس رویکرد استوارت هال، سه برداشت اصلی و متفاوت از بازنمایی رسانه‌ای وجود دارد:

۱. نظریه‌های بازتابی (The reflective Theories): رویکرد بازتابی بر این باور است که کارکرد زبان مانند یک آئینه، بازتاب معنای صحیح و دقیقاً منطبق با جهان است؛

۲. نظریه‌های تعمدی (The Intentional Theories): در این رویکرد، کلمات معنایی را که واقعاً مؤلف قصد انتقال آن را دارد، با خود حمل می‌کنند؛

۳. نظریه‌های برساختی (The Constructive Theories): بر اساس این رویکرد، ما معانی را می‌سازیم و این عمل را به‌واسطه نظام‌های بازنمایی مفاهیم و نشانه‌ها انجام می‌دهیم (Hall, ۱۹۹۷: ۴۲-۲۵).

هال با پذیرش رویکرد سوم یعنی رویکرد برساخت‌گرایانه بازنمایی، این بحث را مطرح می‌کند که رسانه‌ها واقعیت را بازتاب نمی‌دهند؛ بلکه آن را به‌صورت رمز و نشانه درمی‌آورند و به‌صورت نمادین و نه مبتنی بر واقعیت انعکاس می‌دهند. رویکرد برساخت‌گرا، خود با دو رویکرد روش‌شناختی جداگانه به استقبال تولیدات بازنمایی می‌رود؛ این دو رویکرد روش‌شناختی عبارت‌اند از: نشانه‌شناختی و تحلیل گفتمان. در این پژوهش، رویکرد برساخت‌گرا در نظریه بازنمایی و روش نشانه‌شناسی مدنظر است.

^۱ Guy Debord
^۲ The Society of the Spectacle

پیشینه تجربی

بررسی تصویر رژیم صهیونیستی در سینما و تلویزیون، موضوعی است که در برخی پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه، وضعیت مطالعات انجام‌شده در این حوزه مرور می‌شود.

۱. مطالعات داخلی

در بررسی مطالعات داخلی، به منبعی که مستقیماً به این موضوع پرداخته باشد، دست نیافتیم.

۲. مطالعات خارجی

پژوهش‌های خارجی این موضوع را عمدتاً در دو محور دنبال کرده‌اند: نخست، نقش هالیوود و سایر استودیوهای بین‌المللی در حمایت و مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های رژیم صهیونیستی؛ و دوم، اهمیت زبان‌شناسی و چندزبانی در فیلم‌ها و سریال‌ها، به‌ویژه در آثاری با موضوعات امنیتی و سیاسی. در ادامه، به دو منبع مهمی که به این موضوعات پرداخته‌اند اشاره می‌شود.

کتاب «هالیوود و رژیم صهیونیستی: یک تاریخچه»^۱ نوشته تونی شوارتز^۲ و گلن فرانکل^۳ که در سال ۲۰۲۳ منتشر شده، به بررسی روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی میان صنعت سینمای آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌پردازد و نشان می‌دهد که این پیوندها از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی تاکنون مستمر بوده و در دهه‌های اخیر تقویت شده‌اند. نویسندگان با تمرکز بر دو دهه گذشته، نفوذ تهیه‌کنندگان، نویسندگان و نهادهای رسانه‌ای رژیم صهیونیستی در هالیوود را تحلیل کرده‌اند؛ نفوذی که شرکت‌هایی مانند «کشت»^۴ و آثار اقتباس‌شده‌ای مانند «تحت درمان»^۵ و «اسیران جنگ»^۶ آن را تشدید کرده‌اند.

کتاب همچنین سریال فودا را به‌عنوان نمونه‌ای از گسترش روایت‌های امنیتی رژیم صهیونیستی در رسانه‌های جهانی بررسی می‌کند و به واکنش‌های گروه‌های حامی فلسطینی و حمایت مدیران هالیوود از پخش آن اشاره دارد. نویسندگان با مرور تاریخ سینمای آمریکا از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۰ نشان می‌دهند که بازنمایی صهیونیسم در فیلم‌ها عمدتاً حمایتی بوده و در راستای تثبیت گفتمان امنیتی رژیم صهیونیستی عمل کرده است، هرچند آثاری انتقادی مانند فیلم مونیخ^۷ نیز تولید شده‌اند. در مجموع، کتاب نشان می‌دهد که روابط هالیوود و نهادهای رژیم صهیونیستی فراتر از همکاری‌های هنری و تجاری است و اهداف دیپلماتیک، امنیتی و ایدئولوژیک نیز در آن دخیل هستند و تصویری روشن از یکی از پیچیده‌ترین ائتلاف‌های فرهنگی معاصر ارائه می‌دهد.

^۱ Hollywood and Israel: A History

^۲ Tony Shaw

^۳ Glenn Frankel

^۴ Keshet

^۵ In Treatment

^۶ Prisoners of War

^۷ Munich

کتاب «مجموعه‌های نمایشی چندزبانه»^۱ اثر ناحول ریبک^۲ که در سال ۲۰۲۳ منتشر شده است، به بررسی تحلیلی پدیده نوظهور سریال‌های چندزبانه در صنعت تلویزیون جهانی می‌پردازد و نشان می‌دهد که این روند با گسترش رسانه‌ها و نفوذ پلتفرم‌های پخش آنلاین، تغییرات عمیقی در شیوه تولید و معنادرزی آثار نمایشی ایجاد کرده است.

ریبک در این کتاب سریال عبری - عربی فئودا را به عنوان نمونه‌ای برجسته بررسی می‌کند. این سریال با استفاده هم‌زمان از زبان‌های عبری و عربی، ظاهراً تلاش دارد بازنمایی واقع‌گرایانه‌ای از مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی ارائه دهد، اما تحلیل نشان می‌دهد که در نهایت در خدمت گفتمان امنیتی رژیم صهیونیستی قرار دارد. زبان عبری در سریال نماد سامان‌دهی، اقتدار و عقلانیت است، در حالی که زبان عربی غالباً با خشونت، تهدید یا حاشیه‌نشینی همراه است. ریبک نتیجه می‌گیرد که فئودا با بهره‌گیری از ژانر تریلر جاسوسی و نظام زبان‌شناختی دوگانه، مرز مشخصی میان «خودی» (نیروهای رژیم صهیونیستی) و «دیگری» (فلسطینیان) ترسیم می‌کند و با وجود ظاهر چندفرهنگی، عملاً به بازتولید کلیشه‌ها و تثبیت نظم سلطه‌گر موجود می‌انجامد.

روش پژوهش

نشانه‌شناسی را می‌توان به زبان ساده «علم معنای تولیدشده» دانست؛ دانشی که هدف آن گره‌گشایی از معناهایی است که در همه گونه‌های تولید انسانی نهفته‌اند، از واژه‌ها، نمادها و روایت‌ها گرفته تا سمفونی‌ها، نقاشی‌ها، کتاب‌ها، نظریه‌های علمی و حتی قضایای ریاضی (اشباخ و ترابانت، ۱۴۰۰: ۱۰). بدین ترتیب، نشانه‌شناسی رویکردی گسترده، جامع و چندساحتی است که در پی کشف معناهای پنهان و ضمنی پدیده‌هاست و می‌کوشد ورای ظاهر امر رفته، ساختارهای فرهنگی و اجتماعی نهفته در پس آن را آشکار کند (Mingers & Willcocks, ۲۰۱۷: ۱۷).

نشانه‌شناسان بر این باورند که هیچ پیامی فارغ از رمز وجود ندارد؛ ازاین‌رو، همه تجربه‌های انسانی دربرگیرنده فرایند «رمزوارگی» هستند. در این چارچوب، رمزگشایی تنها به شناخت و فهم متن محدود نمی‌شود، بلکه شامل تفسیر، ارزیابی و داوری درباره آن نیز هست (ضمیران، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

جان فیسک نیز معتقد است که همه رموزها حامل معنا هستند. به نظر او، هدف تحلیل نشانه‌شناختی، آشکار کردن لایه‌های معنایی رمزگذاری شده در ساختار فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و به‌طور کلی، در تمامی تولیدات صوتی-تصویری است؛ حتی در کوچک‌ترین اجزای آن‌ها. فیسک مهم‌ترین بخش تحلیل نشانه‌شناختی را شناسایی رمزگان موجود در اثر می‌داند و چگونگی تشخیص و تحلیل آن‌ها را توضیح می‌دهد (فیسک، ۱۳۸۶: ۹۸ و ۱۳۰). در حقیقت، از دیدگاه فیسک، هر رویدادی که قرار

^۱ Multilingual Fiction Series
^۲ Nahuel Ribke

است به فیلم سینمایی تبدیل شود، پیش‌تر از خلال رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده است (سطح واقعیت)؛ سپس، برای آن که از نظر فنی قابل بازنمایی باشد، از صافی رمزهای فنی عبور می‌کند و در نهایت، به‌واسطه رمزگان ایدئولوژیک در قالب مقوله‌های انسجام و مقبولیت اجتماعی جای می‌گیرد (همان، ۱۲۷).

۱. سطح نخست: واقعیت^۱

به نظر فیسک، حضور انسان‌ها در زندگی واقعی همیشه رمزگذاری شده است و عناصر اجتماعی مانند لباس، حرکات و ظاهر حامل دلالت‌های نمادین‌اند. این رمزها، واقعیت را به صورت اجتماعی معنا می‌کنند و هیچ «واقعیت محض» وجود ندارد. هنگامی که این رمزها از طریق ابزارهای فنی و عرف‌های بازنمایی وارد متن می‌شوند، علاوه بر تأثیرپذیری از آن‌ها، دلالت‌گری خود را نیز حفظ می‌کنند (فیسک، ۱۳۸۰: ۱۲۷-۱۲۹).

۲. سطح دوم: بازنمایی^۲

رمزهای فنی شامل دوربین، نورپردازی، تدوین، موسیقی، روایت، شخصیت و گفتگو نقش بنیادی در تولید معنا دارند. این رمزها امکان می‌دهند که رمزهای اجتماعی در سطح بازنمایی، در قالب متن‌های فرهنگی مانند فیلم و سریال، تحقق یابند. علاوه بر این، رمزهای فنی خود به بازنمایی و سازمان‌دهی عناصر ساختاری متن، از جمله روایت، کشمکش، زمان، مکان و گزینش بازیگران کمک می‌کنند (همان).

۳. سطح سوم: ایدئولوژیک^۳

مهم‌ترین کاربرد رمزهای ایدئولوژی این است که عناصر دو سطح قبل، یعنی سطح واقعیت و بازنمایی را در مقوله انسجام و مقبولیت اجتماعی قرار می‌دهند؛ زیرا معنا فقط زمانی ایجاد می‌شود که واقعیت و انواع بازنمایی و ایدئولوژی در یکدیگر ادغام شوند، و به نحوی منسجم و ظاهراً طبیعی به وحدت برسند. رمزهای ایدئولوژیک، از این جهت دارای اهمیت هستند که رابطه بین رمز فنی و رمز اجتماعی را معنادار می‌کنند (همان، ۱۳۲).

روش تحلیل رمزگان جان فیسک در تحلیل فیلم، کمک شایانی به ما می‌کند. در این پژوهش، تلاش شده است با طبقه‌بندی منظم این روش، به اهداف خود در نقد و تحلیل فیلم برسیم. در جدول زیر تمامی عناصر تحلیل رمزگان جان فیسک که در تحلیل فیلم، به ما کمک می‌کند نشان داده شده است که در ادامه، توضیح داده خواهد شد.

^۱ Reality

^۲ Representation

^۳ Ideology

جدول ۱: عناصر تحلیل رمزگان جان فیسک (۴: ۱۹۸۷، Fiskt)

رمزگان فیلم	سطح نخست: واقعیت	گفتار	
		محیط	
		لباس	
	سطح دوم: بازنمایی	زمان و مکان	بازیگران
		انتخاب بازیگران	
		چهره بازیگران	
		اجرا و شیوه رفتار	
	صدا	گفت و گو	
		موسیقی	
	سطح سوم: ایدئولوژیک	نماد و نشانه	مفهوم اصلی
		دسته‌بندی مفاهیم	
		مفاهیم به حاشیه رفته	

جامعه آماری و انتخاب نمونه

در بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳، بر اساس داده‌های پایگاه Universal Netflix Online Global Search (uNoGS) بیش از ۲۰ فیلم و سریال مرتبط با رژیم صهیونیستی در نتفلیکس پخش شده است. برای ارزیابی این سریال‌ها و انتخاب بهترین گزینه به عنوان مطالعه موردی، معیارهای مختلفی در نظر گرفته شد. این معیارها عبارت‌اند از:

۱. محبوبیت جهانی و گستردگی مخاطب
 ۲. موفقیت در جشنواره‌های بین‌المللی
 ۳. بازنمایی گفتمان امنیتی و سیاسی رژیم صهیونیستی
 ۴. تصویرسازی ابعاد فرهنگی، اجتماعی و هویتی از رژیم صهیونیستی
- در این راستا، شش سریال انتخاب شدند که در ادامه معرفی و بررسی می‌شوند.

جدول ۲: سریال‌های منتخب از پلتفرم نتفلیکس

نام سریال	سال پخش	موضوع کلی	ارزیابی
Shtisel	۲۰۱۳	داستان یک خانواده پرجمعیت و مذهبی در اورشلیم است که پدر خانواده به نام شولم شتیسل با فرزندانش مشکلات بسیاری را دارد.	این سریال تصویری دقیق از زندگی یهودیان و چالش‌های هویتی، مذهبی و اجتماعی آن‌ها ارائه می‌دهد، اما در سطح جهانی شناخته‌شده نیست و جوایز بین‌المللی قابل توجهی کسب نکرده است. تمرکز سریال بیشتر بر جنبه‌های انسانی و فردی شخصیت‌هاست و بازنمایی مسائل سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در آن محدود است.

Hashoter Hatov	۲۰۱۵	این سریال داستان یک پلیس است که به روش‌های غیرمعارف و با نگاهی کم‌دی به حل مسائل می‌پردازد.	این سریال با نگاهی طنزآمیز به مسائل امنیتی و سیاسی، روایتی جذاب و سرگرم‌کننده ارائه می‌دهد. با این حال، در محبوبیت جهانی و جذب مخاطب موفق نبوده و جوایز قابل توجهی در جشنواره‌های بین‌المللی کسب نکرده است. همچنین، در مقایسه با آثار دیگر، تصویری عمیق از ابعاد فرهنگی و هویتی رژیم صهیونیستی ارائه نمی‌دهد.
Fauda	۲۰۱۵	درگیری دوطرفه بین نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی و مبارزان فلسطین را روایت می‌کند.	سریال فتودا با پخش جهانی در نتفلیکس و دریافت جوایز بین‌المللی، به موفقیت گسترده‌ای دست یافته است. این اثر با تمرکز بر گفتمان امنیتی و سیاسی رژیم صهیونیستی، درگیری‌های پیچیده میان نیروهای اسرائیلی و فلسطینی را بازنمایی می‌کند. در کنار این محور اصلی، به تضادهای فرهنگی، اجتماعی و هویتی در جامعه صهیونیستی نیز اشاره می‌شود، هرچند این ابعاد در مقایسه با مسائل امنیتی کم‌رنگ‌ترند.
Mossad ۱۰۱	۲۰۱۶	موساد ۱۰۱، سریالی با موضوع یک دوره آموزشی تخیلی برای سازمان اطلاعات موساد است که روش‌های مختلف برای استخدام نیروی انسانی موساد را به تصویر می‌کشد.	این سریال تمرکز اصلی خود را بر بازنمایی گفتمان امنیتی رژیم صهیونیستی قرار داده و با تأکید بر آموزش نیروهای موساد، نقش نهادهای اطلاعاتی و عملیات‌های امنیتی را برجسته می‌سازد. در مقابل، ابعاد فرهنگی، اجتماعی و هویتی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین، این اثر در مقایسه با تولیدات شاخص بین‌المللی، از نظر میزان محبوبیت جهانی و حضور در جشنواره‌های معتبر جایگاه برجسته‌ای ندارد.
When Heroes Fly	۲۰۱۸	ماجرای ۴ چهار سرباز ارتش رژیم صهیونیستی است که پس از ۱۱ سال، گرد هم می‌آیند تا در آخرین مأموریت، دوست خودشان را که فکر می‌کردند مرده، پیداکنند.	این سریال با تمرکز بر روابط انسانی و تجربه‌های شخصی شخصیت‌ها، عمدتاً به ابعاد فرهنگی و هویتی جامعه رژیم صهیونیستی می‌پردازد و مسائل امنیتی و نظامی را به طور غیرمستقیم و حاشیه‌ای بازنمایی می‌کند. با اینکه در داخل رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای غربی مخاطبانی جذب کرده، دامنه جهانی آن محدود بوده است. همچنین، این اثر تنها موفق به کسب جایزه بهترین سریال در جشنواره Cannes ۲۰۱۸ شده و در سایر جشنواره‌های بین‌المللی حضور چشمگیری نداشته است.
The Spy	۲۰۱۹	سریال جاسوس، یک مینی سریال انگلیسی زبان است که زندگی یک جاسوس موساد، الی کوهن، را در سوریه روایت می‌کند.	این سریال با تمرکز بر زندگی جاسوس مشهور رژیم صهیونیستی، الی کوهن، توانست توجه جهانی را جلب کند و در جشنواره‌ها و جوایز متعددی موفقیت‌هایی کسب نماید، از جمله نامزدی بهترین مینی سریال در جوایز گلدن گلوب ۲۰۲۰. از منظر گفتمان امنیتی و سیاسی، سریال نقش اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در خاورمیانه را به وضوح نمایش می‌دهد و تمرکز اصلی آن بر ابعاد نظامی و جاسوسی است. با این حال، ابعاد فرهنگی، اجتماعی و هویتی جامعه رژیم صهیونیستی در آن کمتر برجسته شده است.

پس از بررسی تولیدات تلویزیونی، سریال «فتودا» به عنوان مطالعه موردی این پژوهش انتخاب شده است؛ زیرا در چهار مؤلفه اصلی مورد تحلیل تمایز قابل توجهی با دیگر موارد دارد. نخست، در مؤلفه محبوبیت جهانی و گستردگی مخاطب، این سریال با پخش در پلتفرم نتفلیکس توانست دامنه‌ای گسترده از مخاطبان فراملی را جذب کند؛ به گونه‌ای که فصل نخست آن در ۲۰۲۳ بیش از ۳۷/۳ میلیون ساعت تماشا داشته است (FlixPatrol, ۲۰۲۳). در مؤلفه موفقیت در جشنواره‌های بین‌المللی، «فتودا» جوایزی از جمله اسکار تلویزیونی رژیم صهیونیستی را کسب کرده و در سال ۲۰۱۷ از سوی نیویورک تایمز به عنوان «بهترین سریال بین‌المللی» معرفی شده است. از منظر گفتمان امنیتی و سیاسی نیز، این مجموعه با تمرکز بر عملیات‌های نظامی

و جاسوسی، بازنمایی چندلایه‌ای از منازعات منطقه‌ای و سازوکارهای قدرت در چارچوب سیاست‌های امنیتی رژیم صهیونیستی ارائه می‌دهد. در نهایت، در مؤلفه تصویرسازی ابعاد فرهنگی و اجتماعی رژیم صهیونیستی، «فتودا» به تضادهای اجتماعی و فرهنگی درون جامعه رژیم صهیونیستی می‌پردازد و چالش‌های هویتی میان گروه‌های مختلف اجتماعی را نمایش می‌دهد. با توجه به این چهار مؤلفه، «فتودا» به‌عنوان نمونه منتخب در این پژوهش انتخاب شده است.

یافته‌های پژوهش

معرفی سریال فتودا

سریال فتودا (به عبری: פתודה، به معنای «آشوب») محصول سال ۲۰۱۵ است که توسط لیور راز^۱ و آوی ایساکاروف^۲ ساخته شد. این مجموعه که نخستین بار از شبکه (Yes Oh) رژیم صهیونیستی پخش شد، پس از موفقیت اولیه، توسط نتفلیکس برای توزیع جهانی انتخاب شد. به گفته نویسندگان، فتودا بر اساس اتفاقات واقعی ساخته شده و با استفاده از دو زبان عبری و عربی و سبک فیلم‌برداری مستندگونه، تلاش دارد تصویری واقع‌گرایانه از درگیری‌های امنیتی رژیم صهیونیستی به نمایش بگذارد.

سریال به فعالیت‌های یگان ویژه «مستعربین» می‌پردازد؛ گروهی از نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی که با ظاهر و پوشش عربی در میان فلسطینیان نفوذ کرده و مأموریت‌های اطلاعاتی و عملیاتی خود را انجام می‌دهند.

آوی ایساکاروف، روزنامه‌نگار و تحلیلگر مسائل خاورمیانه که برای رسانه‌هایی مانند تایمز رژیم صهیونیستی و هآرتس فعالیت کرده است، به‌عنوان متخصص امور فلسطین شناخته می‌شود. او دو کتاب به نام‌های «۳۴ روز: رژیم صهیونیستی، حزب‌الله و جنگ در لبنان»^۳ و «جنگ هفتم: چگونه پیروز شدیم و چرا در جنگ با فلسطینیان شکست خوردیم»^۴ تألیف کرده است که هر دو از سوی مؤسسه مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی به‌عنوان پژوهش‌های برجسته امنیتی شناخته شده‌اند.

لیور راز، علاوه بر تهیه‌کنندگی و فیلمنامه‌نویسی، در نقش دورون کابیلو، شخصیت اصلی سریال، ایفای نقش می‌کند. او بازیگر، تهیه‌کننده و فیلمنامه‌نویس رژیم صهیونیستی است که سابقه حضور در نیروهای دفاعی رژیم صهیونیستی را داشته و تجربیات شخصی خود را در این سریال به کار گرفته است.

این مجموعه تاکنون در چهار فصل منتشر شده که هر فصل شامل ۱۲ قسمت بوده است:

• فصل اول (۲۰۱۵): تمرکز بر عملیات مخفیانه نیروهای ویژه در کرانه باختری برای تعقیب یک فرمانده حماس.

^۱ Lior Raz

^۲ Avi Issacharoff

^۳ ۳۴ Days: Israel, Hezbollah and the War in Lebanon

^۴ The Seventh War: How we won and why we lost the war with the Palestinians

- فصل دوم (۲۰۱۸): بازگشت تیم عملیاتی برای متوقف کردن یک حمله بزرگ تروریستی.
- فصل سوم (۲۰۱۹): پیگیری یک عملیات داخلی در مناطق تحت کنترل فلسطینی‌ها (نوار غزه).
- فصل چهارم (۲۰۲۲): مقابله با تهدیدات مرزی و گروه‌های شبه‌نظامی در مرز لبنان.

با پخش فصل اول سریال فئودا از نتفلیکس موجی از انتقادات جهانی، به‌ویژه از سوی گروه‌ها و فعالان مدافع حقوق فلسطینیان شروع شد. کمیته فلسطینی برای بایکوت فرهنگی و آکادمیک اسرائیل (PACBI)^۱ شاخه فرهنگی جنبش جهانی (BDS)^۲ اعلام کرد که فئودا در مرکز پروژه‌ای قرار دارد که هدف آن «سفیدشویی فرهنگی» اشغال و خشونت‌های رژیم صهیونیستی است. این کمیته تأکید کرد که بازنمایی انسانی و قهرمانانه از نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی در این سریال، در کنار تحقیر فلسطینیان، بخشی از جنگ روایتی است که با هدف شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی به سود اشغالگران طراحی شده است (BDS Movement, ۲۰۱۸). از دیگر واکنش‌های جدی، اعتراض رسمی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بود. در یکی از قسمت‌های سریال، نیروهای رژیم صهیونیستی از آمبولانس صلیب سرخ برای عملیات فریب استفاده می‌کنند. صلیب سرخ این اقدام را نقض آشکار اصول بی‌طرفی و نشانه‌ای از سوءاستفاده از نمادهای بشردوستانه دانست و هشدار داد که چنین نمایش‌هایی می‌تواند جان امدادگران واقعی را در میدان‌های جنگ به خطر بیندازد (Mondoweiss, ۲۰۲۰). هم‌زمان، روزنامه‌نگاران و منتقدان مستقل نیز بر تحریف آشکار واقعیت‌های اشغالگری رژیم صهیونیستی تأکید کردند. برخی مقالات تحلیلی در رسانه‌هایی چون الجزیره اشاره کردند که سریال با روایتی یک‌سویه، نظامیان رژیم صهیونیستی را افرادی درگیر در نبردهای پیچیده انسانی و خانوادگی نشان می‌دهد، در حالی که شخصیت‌های فلسطینی فاقد عمق، منطق سیاسی یا مشروعیت اخلاقی تصویر شده‌اند (Al Jazeera, ۲۰۲۰). این آثار تحلیلی هشدار دادند که چنین بازنمایی‌هایی نه تنها تصویری نادرست از واقعیت می‌سازند، بلکه تلاش‌های بین‌المللی برای عدالت و حقوق بشر را تضعیف می‌کنند.

با این حال، در میان موج انتقادات، برخی حمایت‌ها نیز شکل گرفت. نتفلیکس در واکنش به کارزارهای بایکوت، از تصمیم خود برای پخش سریال دفاع کرد و بر آزادی بیان و تنوع روایت‌ها تأکید نمود (Reuters, ۲۰۱۸). رسانه‌هایی چون گاردین نیز با تمرکز بر جنبه‌های دراماتیک و سینمایی سریال، آن را اثری پرتنش و چندلایه توصیف کردند، بی‌آنکه به پیامدهای سیاسی و ایدئولوژیک آن توجه جدی داشته باشند (The Guardian, ۲۰۱۸).

^۱ PACBI مخفف عبارت انگلیسی Palestinian Campaign for the Academic and Cultural Boycott of Israel است به معنای کمپین فلسطینی برای بایکوت آکادمیک و فرهنگی

اسرائیل

^۲ BDS مخفف عبارت انگلیسی Boycott, Divestment, Sanctions است، به معنای: تحریم، کناره‌گیری سرمایه‌گذاری و تحریم‌های اقتصادی و سیاسی

خلاصه داستان

یگان مخفی و امنیتی رژیم صهیونیستی با دستگیری علی، از اعضای ارشد حماس، متوجه می‌شود ابو احمد، یکی از رهبران فلسطینی که تصور می‌شد ۱۸ ماه پیش کشته شده، هنوز زنده است و قصد شرکت در عروسی برادرش بشیر را دارد. دورون، فرمانده پیشین یگان که تیم را ترک کرده بود، دوباره مأمور می‌شود تا ابو احمد را دستگیر کند، اما مأموریت در شب عروسی با اشتباه او به هم می‌خورد و در درگیری، بشیر و چند فلسطینی کشته می‌شوند و ابو احمد زخمی می‌شود و فرار می‌کند.

یگان مخفی علی را آزاد می‌کند تا از طریق او ابو احمد را پیدا کنند، اما علی پیش از رسیدن نیروها کشته می‌شود و بوئاز، یکی از اعضای یگان، اسیر ابو احمد می‌شود. ابو احمد با کارگذاری بمب الکترونیک در بدن بوئاز، او را گروگان می‌گیرد و خواستار معاوضه او با زندانیان فلسطینی می‌شود، اما سایر اعضای ارشد حماس با اقدامات او مخالفت می‌کنند.

دورون و تیمش برای نجات بوئاز مأموریتی غیررسمی انجام می‌دهند و شیخ، از اعضای ارشد حماس، و دختر ابو احمد را گروگان می‌گیرند. در جریان معاوضه، بوئاز و شیخ بر اثر انفجار کشته می‌شوند و دختر ابو احمد زخمی می‌شود. او به بیمارستان منتقل شده و همسرش نسرین اجازه می‌دهد چشم او توسط پزشکان رژیم صهیونیستی عمل شود.

در پایان، دورون خود را داوطلب عملیات استشهادی معرفی می‌کند تا به ابو احمد نزدیک شود؛ ابو احمد قصد دارد با انفجار گاز سارین در کنیسه جمعیتی را به کام مرگ بکشانند و رژیم صهیونیستی را به واکنش تلافی‌جویانه و جنایات جنگی تحریک کند. در نهایت، ولید که از افراط‌گرایی ابو احمد خسته شده، او را می‌کشد و مأموریت پایان می‌یابد.

تحلیل رمزگان جان فیسک

۱. سطح نخست: واقعیت

گفتار و زبان: یکی از برجسته‌ترین نقاط قوت سریال فئودا، استفاده هم‌زمان از زبان‌های عبری و عربی در گفت‌وگوهاست. شخصیت‌های رژیم صهیونیستی در تعاملات روزمره از زبان عبری استفاده می‌کنند، اما در مأموریت‌های مخفی، عربی را با لهجه‌ای نسبتاً دقیق به کار می‌برند. در مقابل، زبان فلسطینی‌ها غنی از اصطلاحات عامیانه، گفتار کوچه‌بازاری و ریتم طبیعی زندگی روزمره است که به بازنمایی ملموس‌تر و عمیق‌تر از واقعیت اجتماعی آن‌ها می‌انجامد. این انتخاب زبانی، به باورپذیری روایت کمک می‌کند.

محیط و فضا سازی: محیط‌های فلسطینی در سریال عمدتاً در قالب خیابان‌های تنگ و پر ازدحام، ساختمان‌های فرسوده، بازارهای شلوغ، دیوارنگاره‌های سیاسی و پوسترهای شهدا به تصویر کشیده شده‌اند؛ عناصری که فضایی ملتهب، مقاومتی و تحت فشار را القا می‌کنند. در مقابل، محیط‌های مربوط به رژیم صهیونیستی با نظم، آرامش، مدرنیته و امکانات رفاهی هستند

از جمله بیمارستان مجهز محل بستری دختر ابواحمد، ساحل خلوت و زیبا که دورون و همکارش در آن قدم می‌زنند، یا باغ انگور آرام و سرسبزی که دورون در آن کار می‌کند. این تقابل تصویری، در خدمت القای شکلی مثبت و متمدن از جامعه صهیونیستی در برابر فضای متشنج و خشن فلسطینی‌ها عمل می‌کند.

تصویر ۱: مناطق رژیم صهیونیستی



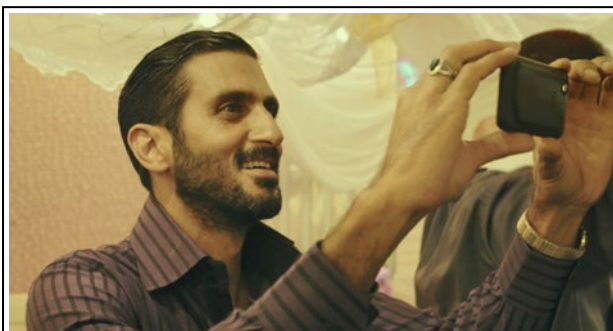
تصویر ۲: مناطق فلسطینی نشین



لباس و وضع ظاهر: در طراحی لباس‌ها، تلاش شده تا ظاهر شخصیت‌ها با واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی منطبق باشد. نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی در مأموریت‌های مخفی، ظاهری کاملاً نزدیک به فلسطینی‌ها دارند و حتی لهجه عربی‌شان نیز به‌گونه‌ای است که هویتشان را پنهان می‌سازد. پوشش زنان نیز تنوع اجتماعی در جامعه فلسطینی را بازتاب می‌دهد؛ از زنان محجبه تا چهره‌هایی مانند «شیرین» - دخترعموی ولید - که تحصیل کرده، پزشک و دارای سبک زندگی مدرن‌تری است. این

نوع پوشش‌ها می‌خواهد نمایشی متفاوت از لایه‌های اعتقادی و سبک زندگی در فلسطین داشته باشد و از کلیشه‌سازی مرسوم پرهیز کند.

تصویر ۳: جاسوسان رژیم صهیونیستی



تصویر ۴: پوشش زنان فلسطینی



۲. سطح دوم: بازنمایی

زمان: ساخت سریال فئودا با یکی از مقاطع بحرانی تاریخ معاصر فلسطین، یعنی جنگ ۲۰۱۴ غزه، هم‌زمان است. در این سال، رژیم صهیونیستی حمله‌ای گسترده به نوار غزه انجام داد که بیش از پنجاه روز به طول انجامید و منجر به شهادت و جراحت بیش از دو هزار فلسطینی شد. این درگیری از لحاظ انسانی فاجعه‌بار بود، و با کشته شدن تعدادی از سربازان و شهرک‌نشینان رژیم صهیونیستی و ناکامی در تحقق اهداف نظامی، به‌نوعی شکست رسانه‌ای و سیاسی برای این رژیم رقم زد. جنگ در حالی پایان یافت که ارتش رژیم صهیونیستی نتوانست توان گروه‌های مقاومت و زیرساخت‌های حیاتی غزه را نابود کند و در نتیجه، تصویری تضعیف‌شده از قدرت نظامی آن در سطح جهانی ترسیم شد. در چنین شرایطی، تولید فئودا را نمی‌توان بی‌ارتباط با تلاش برای ترمیم این تصویر و بازسازی وجهه صهیونیسم در رسانه‌های بین‌المللی دانست. این سریال با بازنمایی نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی به‌عنوان قهرمانانی درگیر با تهدید تروریسم، در واقع پاسخی رسانه‌ای به ناکامی‌های میدانی آن‌ها در جنگ ۲۰۱۴ است؛ تلاشی هدفمند برای بازسازی حیثیت از دست‌رفته رژیم در افکار عمومی جهانی.

مکان: سریال فئودا در روستای فلسطینی «کفر قاسم» فیلم‌برداری شده؛ جایی با پیشینه‌ای تاریخی که به دلیل یک جنایت خونین در سال ۱۹۵۶ به نمادی سیاسی در حافظه فلسطینیان تبدیل شده است. کفر قاسم پس از توافق آتش‌بس میان رژیم صهیونیستی و اردن در سال ۱۹۴۹، به سرزمین‌های تحت اشغال این رژیم ملحق شد و تا سال ۱۹۶۶ تحت قوانین سخت‌گیرانه

نظامی قرار داشت. در ۲۹ اکتبر ۱۹۵۶، در آستانه حمله مشترک رژیم صهیونیستی، فرانسه و بریتانیا به مصر، ارتش رژیم بدون اطلاع قبلی، ساعات منع آمد و شد را افزایش داد. همان شب، دهقانان کفر قاسم که بی‌خبر در راه بازگشت بودند، با تیراندازی نظامیان مواجه شدند و نیروها به‌جای هشدار یا بازداشت، ۴۹ نفر از آنها را که بیشترشان زن و کودک بودند، کشتند.

کشتار کفر قاسم به این دلیل اهمیت داشت که قربانیان آن شهروندان رسمی رژیم صهیونیستی محسوب می‌شدند. این رویداد نشان داد که حتی داشتن تابعیت در چارچوب نظام صهیونیستی، هیچ تضمینی برای امنیت و حقوق فلسطینیان ایجاد نمی‌کند و تأثیر عمیقی بر تاریخ سیاسی فلسطینیان گذاشت. اکنون، سال‌ها پس از آن واقعه، سریالی امنیت‌محور در همین مکان ساخته شده است. فتودا با نمایش نوعی هم‌زیستی میان فلسطینیان و نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی، می‌کوشد خاطره آن کشتار را کم‌رنگ کند و تصویری تازه و مطلوب از رابطه دو طرف ارائه دهد. این سریال، در واقع بخشی از تلاشی رسانه‌ای برای بازنویسی تاریخ و تشویق فلسطینیان به پذیرش تابعیت و هم‌زیستی با رژیمی است که همچنان بر پایه تبعیض و اشغال عمل می‌کند.

صدا (گفت‌وگو - موسیقی): در این سطح، گفت‌وگو ابزاری حیاتی برای رمزگذاری معنایی است و در سریال فتودا دیالوگ‌ها نقش کلیدی در شکل‌دهی به روایت دارند. شخصیت‌های رژیم صهیونیستی با تأکید بر مفاهیمی مانند «امنیت» و «مقابله با تروریسم»، اقدامات خود را موجه جلوه می‌دهند و خود را در مقام مدافعان غیرنظامیان معرفی می‌کنند. در مقابل، شخصیت‌های فلسطینی با بیانی پر از خشم و تهدید، به‌عنوان عاملان خشونت معرفی می‌شوند. عباراتی مانند «هیچ جای امنی باقی نمی‌گذاریم» نمایانگر موضع تهاجمی فلسطینی‌هاست.

نکته قابل توجه این است که سریال به زمینه‌های تاریخی و سیاسی مناقشه، مانند اشغال، تبعیض و محاصره فلسطین، نمی‌پردازد. این خلأ اطلاعاتی باعث می‌شود تا مخاطب بدون درک کامل از دلایل مقاومت فلسطینیان، تنها با تصویری یک‌سویه مواجه شود.

موسیقی: این سریال با بهره‌گیری از عناصر موسیقی خاورمیانه‌ای مانند عود و کاخن در صحنه‌های مرتبط با فلسطینیان، فضای بومی و هویتی آن‌ها را تقویت کرده است. اما در صحنه‌های اکشن، امنیتی و مربوط به نیروهای رژیم صهیونیستی موسیقی‌های الکترونیک، پرتنش و مدرن مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ موسیقی‌هایی که حس قدرت و کنترل را القا می‌کنند. این تضاد موسیقایی به شکل غیرمستقیم تصویری دوگانه می‌سازد: فلسطینی‌ها احساسی و سنتی، مأموران رژیم صهیونیستی منطقی، مدرن و منضبط.

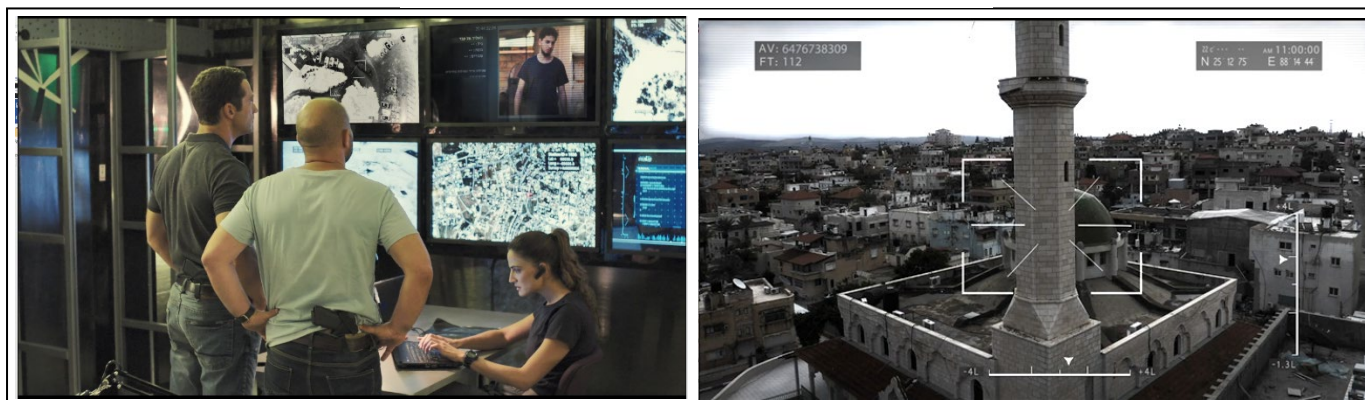
وسایل صحنه: در سریال فتودا، طراحی وسایل صحنه کاملاً با اهداف سیاسی و رسانه‌ای سریال هم‌راستا بوده و در دو جبهه مقابل (رژیم صهیونیستی و فلسطینی) پیام‌هایی متفاوت و متضاد را به ذهن مخاطب منتقل می‌کنند. در ادامه این وسایل و فضاها به تفکیک تحلیل می‌شوند:

فضای رژیم صهیونیستی

در فضاهاى مربوط به نیروهای رژیم صهیونیستی، وسایل صحنه نشان‌دهنده نظم، اقتدار و قدرت فنى و اطلاعاتى هستند.

میزهای پر از مانیتور و تجهیزات شنود: در مقرهای امنیتی رژیم صهیونیستی، شاهد حضور پررنگ مانیتورهای هستیم که تصاویر ماهواره‌ای، شنود مکالمات و اطلاعات لحظه‌ای از مناطق فلسطینی را نشان می‌دهند. این مانیتورها نشان‌دهنده سیطره اطلاعاتی و کنترل متمرکز هستند. مخاطب به‌واسطه این تجهیزات، رژیم صهیونیستی را به‌عنوان قدرتی عقلانی، تحلیل‌گر و علمی تصور می‌کند. دوربین نیز با قرارگیری در پشت این مانیتورها، ما را وارد موقعیت ناظر رژیم صهیونیستی می‌کند، گویی مخاطب نیز همراه با آن‌ها قدرت قضاوت و فرماندهی دارد.

تصویر ۶: اتاق عملیات و دوربین مدار بسته گروه صهیونیستی



نقشه‌های دیواری از کرانه باختری و غزه: در بسیاری از صحنه‌ها، نقشه‌هایی دقیق و دیجیتالی از مناطق فلسطینی مشاهده

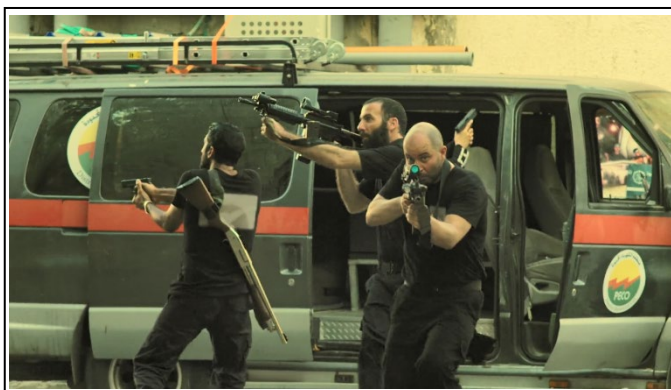
می‌شود. این نقشه‌ها، علاوه بر بار نظامی، نوعی حس مالکیت و نقشه‌برداری سرزمینی را منتقل می‌کنند. مأموران در حال طراحی عملیات بر اساس این نقشه‌ها هستند، و چنین صحنه‌هایی بیان می‌کنند که سرزمین فلسطین، تحت کنترل فیزیکی و تسلط کامل اطلاعاتی و ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی است.

تصویر ۵: اتاق عملیات گروه صهیونیستی



خودروهای زرهی و امکانات نظامی: در سکانس‌های عملیات، نیروهای رژیم صهیونیستی با خودروهای زرهی و اسلحه‌های پیشرفته وارد می‌شوند. نمایش این امکانات، حس قدرت، آمادگی دائم و اقتدار نظامی را منتقل می‌کند.

تصویر ۷: تجهیزات گروه صهیونیستی



تصویر مسجدالاقصی در دفتر وزیر دفاع: وجود این تصویر در اتاق وزیر دفاع رژیم صهیونیستی انتخابی کاملاً معنادار است. این نما بیانگر آن است که رژیم صهیونیستی، برخلاف ادعای صرف نظامی بودن، نسبت به اماکن مقدس نیز حساسیت و آگاهی دارد. در کنار تصویر مسجدالاقصی در خانه ابواحمد، این دوگانه تصویری مخاطب را به سوی نتیجه‌گیری سوق می‌دهد: اگر قرار است مسجدالاقصی در اختیار یک جریان باشد، رژیم صهیونیستی به‌عنوان طرفی عاقل استحقاق بیشتری دارد.

تصویر ۸: اتاق وزیر دفاع رژیم صهیونیستی



فضای فلسطینی

در فضای فلسطینی‌ها، وسایل صحنه که بیشتر حامل بار سنتی و مذهبی هستند، در روایت سریال با مضامین افراط، خشونت و بدویت گره می‌خورند.

چفیه و قرآن: شخصیت ابواحمد تقریباً همیشه با چفیه‌ای بر گردن و قرآنی در دست دیده می‌شود. تکرار این تصویر در موقعیت‌های بحرانی، تصمیم‌گیری یا تهدید، یک معناپردازی نمادین ایجاد می‌کند: اینکه دین و مقاومت به‌مثابه مفاهیمی

به هم تنیده، افراطگرایی را تغذیه می‌کنند. به عبارتی، چفیه و قران در این سریال نه به عنوان نماد ایمان، بلکه به عنوان مؤلفه‌ای از خشونت و رادیکالیسم معرفی می‌شوند.

تصویر ۹: ابواحمد، مبارز فلسطینی



تصاویر رهبران فلسطینی (عرفات، عباس، احمد یاسین): در سریال دو گروه مبارز فلسطینی با تفکرات مختلف وجود دارند، یکی حماس و دیگری فتح که در اتاق هر یک از آنها تصاویر رهبرانشان وجود دارد، گروه فتح نماینده تفکری است که با وجود اختلافات در گذشته؛ حالا دیگر با گروه‌های رژیم صهیونیستی به تعامل و همراهی رسیده‌اند و در ازای تبادل اطلاعات و در اختیاری امکانات حاضر به همکاری با یکدیگر هستند. تصاویر یاسر عرفات و محمود عباس به عنوان رهبران اصلی این تفکر در سریال به نمایش درمی‌آید. البته سریال اشاره دارد که در میان اعضای حماس نیز اختلافاتی به وجود آمده و برخی مخالف افراطی‌گری‌ها هستند.

تصویر ۱۰: گروه‌های مبارز فلسطینی



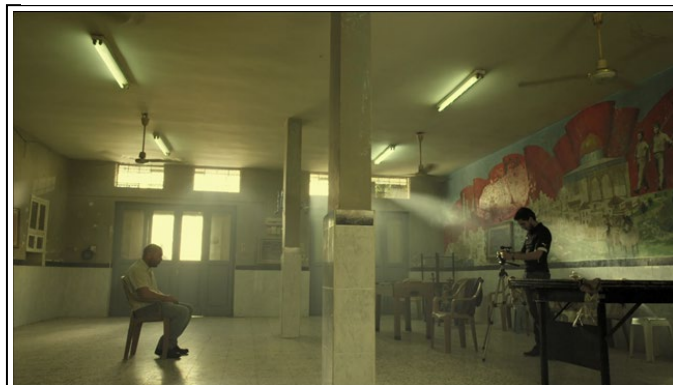
بمب‌های دست‌ساز و ابزارهای ابتدایی: در سکانس‌هایی که گروه‌های فلسطینی در حال آماده‌سازی عملیات هستند، شاهد ساخت بمب‌های دست‌ساز با وسایلی ابتدایی هستیم. این وسایل با تأکید بر بدویت، نوعی تصویر غیرحرفه‌ای از مقاومت فلسطینی را ارائه می‌دهند.

تصویر ۱۱: بمب‌های دست‌ساز

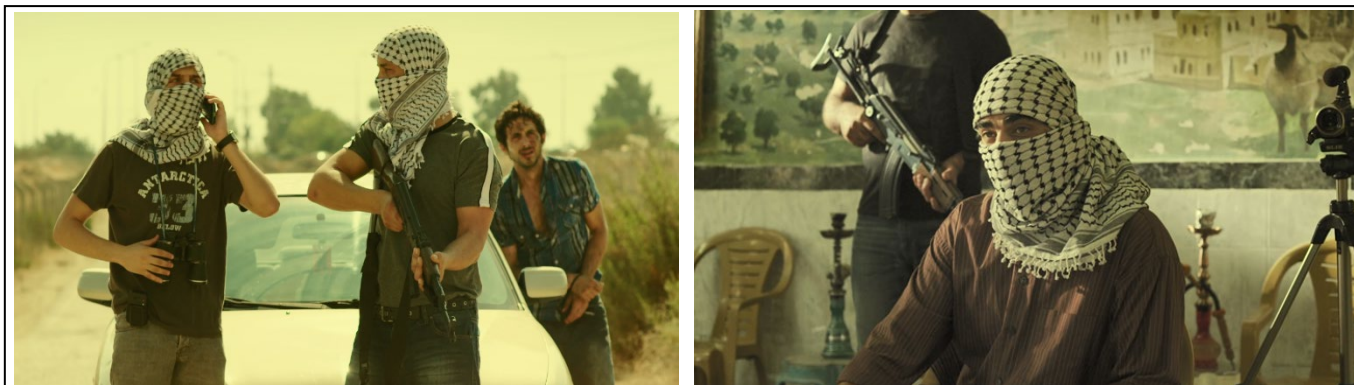


تصویر مسجدالاقصی در محل اقامت ابواحمد: تصویر مسجدالاقصی به شکلی برجسته در محل اقامت ابواحمد، فرمانده حماس، و نیز در دفتر وزیر دفاع رژیم صهیونیستی نمایش داده می‌شود. این انتخاب تصویری هدفمند، مخاطب را به این برداشت سوق می‌دهد که در تقابل با تندروی نیروهای حماس، این رژیم صهیونیستی است که گزینه‌ای باثبات‌تر و مشروع‌تر برای نظارت بر این مکان مقدس به نظر می‌رسد.

تصویر ۱۲: تصویر مسجدالاقصی در محل اقامت ابواحمد



چهره‌های پوشیده با چفیه: بسیاری از مبارزان فلسطینی در حالی نشان داده می‌شوند که صورت خود را با چفیه یا ماسک پوشانده‌اند. این پوشش‌ها آن‌ها را مرموز، غیرقابل شناسایی و خطرناک جلوه می‌دهد. در کنار چشمان خشمگین و سلاح‌های در دست، این نما بیشتر به تصویر تروریست‌های سینمایی نزدیک است تا مبارزان آزادی‌خواه.



تحلیل بازیگران سریال فتودا

بازیگران یکی از مؤلفه‌های کلیدی در این سطح هستند که به صورت مستقیم بر درک مخاطب از شخصیت‌ها، فضا، و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک اثر تأثیر می‌گذارند. در سریال فتودا، تحلیل بازیگران را می‌توان در سه سطح اصلی بررسی کرد: انتخاب بازیگران، چهره بازیگران، و اجرای آن‌ها یا شیوه رفتاری‌شان.

انتخاب بازیگران: بسیاری از بازیگران اصلی سریال، از جمله دورون، کاپیتان ایوب و شیرین، پیش از این اثر نقش‌های شاخصی ایفا نکرده بودند و با سریال فتودا به شهرت رسیدند. این ویژگی موجب می‌شود مخاطب بدون پیش‌زمینه ذهنی، راحت‌تر شخصیت‌ها را در نقش‌هایشان بپذیرد. البته برخی از بازیگران نیز پیش‌تر در سریال بیت‌لحم (۲۰۱۳) حضور داشته‌اند؛ سریالی با فضایی نسبتاً مشابه فتودا که به روابط پیچیده میان یک افسر اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و یک مخبر فلسطینی می‌پردازد. این سابقه نقش‌آفرینی، جایگاه برخی بازیگران را در نقش‌های کنونی‌شان تقویت می‌کند؛ برای نمونه، بازیگر نقش ابواحمد در بیت‌لحم نیز ایفاگر نقش یک مبارز فلسطینی بوده است.

اجرا یا شیوه رفتار: از نظر روایی، سریال فتودا تلاش می‌کند به صورت هم‌زمان و متعادل به نمایش شخصیت‌های رژیم صهیونیستی و عرب بپردازد و ابعاد گوناگون وجودی آن‌ها را برجسته سازد؛ شخصیت‌هایی که در کنار ایفای نقش‌های امنیتی یا مبارزاتی، در نقش‌هایی چون پدر، همسر یا برادر نیز ظاهر می‌شوند. سریال گرچه مدعی بی‌طرفی و نمایش خطاهای دو طرف است، اما منشأ اصلی خشونت‌ها و بی‌ثباتی را در شخصیت ابواحمد، فرمانده فلسطینی، جست‌وجو می‌کند. ابواحمد شخصیتی جبرگرا و متعصب است که اشتباهاتش را به خواست الهی نسبت می‌دهد، در تصمیم‌گیری‌های حساس ناتوان است و در مواجهه با بحران به جای کنترل عقلانی، به رفتارهایی کودکانه مانند خوردن افراطی شکلات روی می‌آورد. در مقابل، دورون، شخصیت اسرائیلی، هرچند دچار اشتباهاتی است، اما تصویر یک قهرمان مسئولیت‌پذیر را ارائه می‌دهد که برای نجات مردم خود حاضر است جانش را فدا کند و برای جبران خطاهایش تلاش می‌کند.

زنان فلسطینی در سریال در سه نسل مجزا تصویر شده‌اند: نسل اول، مادر ابواحمد، زنی است مقاوم و وفادار که با وجود ازدست‌دادن یکی از پسرانش، همچنان از اقدامات پسر دیگرش حمایت می‌کند. نسل دوم، شامل نسرين (همسر ابواحمد)، همسر بشیر و شیرین است. نسرين با وجود سختی‌های زندگی در کنار ابواحمد باقی می‌ماند، اما در نهایت برای حفظ امنیت فرزندش تصمیم به ترك فلسطین و رفتن به برلین می‌گیرد. همسر بشیر که شوهرش را در شب عروسی در جریان یک عملیات از دست می‌دهد، تاب فقدان را نمی‌آورد و با انجام یک عملیات انتحاری، به شکلی انتقام‌جویانه خود را قربانی می‌کند. شیرین، پزشک جوان فلسطینی و عضو پزشکان بدون مرز، ابتدا با نیروهای مقاومت همکاری دارد؛ اما با آشنایی بیشتر با روش‌های آنها، از این مسیر فاصله می‌گیرد و رفتارهای آنها را احمقانه توصیف می‌کند. در نهایت، دختر ابواحمد که در بیمارستان رژیم صهیونیستی درمان می‌شود، آشکارا محبت خود به پزشکان یهودی را ابراز می‌دارد.

سیر تحول شخصیت‌های زن فلسطینی در این سریال، از مادر مقاوم تا دختری که به رژیم صهیونیستی ابراز علاقه می‌کند، نشان می‌دهد، هر چه از نسل اول به نسل سوم نزدیک می‌شویم، روحیه مقاومت و دشمنی با رژیم صهیونیستی کم‌رنگ‌تر شده و تمایل به زندگی عادی و آرام، جای آرمان‌خواهی و مبارزه را گرفته است.

۳. رمزگان ایدئولوژی (مفهوم اصلی – دسته‌بندی مفاهیم)

مفهوم اصلی: امنیت

مفهوم اصلی، جان‌مایه‌ای است که در تمام لایه‌های روایت یک سریال حضور دارد و مقصود نهایی سازندگان در انتقال پیام محسوب می‌شود. در سریال فتودا، این مفهوم حول محور امنیت شکل گرفته است. کارگردان با تمرکز بر دغدغه امنیتی رژیم صهیونیستی، درصدد است تا اقدامات نظامی این رژیم را مشروع جلوه دهد. با ترسیم چهره‌ای قهرمانانه از نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی و نمایش بی‌وقفه تلاش‌های آنها برای مقابله با تهدیدات، سریال کوشیده است مشروعیتی اخلاقی برای سیاست‌های تهاجمی و سلطه‌جویانه این رژیم فراهم آورد و به‌نوعی، خشونت سازمان‌یافته را به‌عنوان واکنشی ضروری، موجه و حتی فداکارانه القا کند.

دسته‌بندی مفاهیم: مقصود تمام مفاهیم دیگری است که کارگردان در جهت اثبات مفهوم اصلی یعنی «امنیت» از آن بهره گرفته است. این مفاهیم فرعی هر یک به‌نوعی در خدمت مشروعیت‌بخشی به اقدامات رژیم صهیونیستی و طبیعی‌سازی چهره امنیتی آن قرار دارند و در تقویت پیام کلی سریال نقش دارند.

۱. **بی‌توجهی مقاومت به جان زنان و کودکان:** از همان ابتدای سریال، شخصیت ابواحمد به‌عنوان فردی معرفی می‌شود که مسئول کشته شدن بیشترین تعداد زنان و کودکان است. در ادامه نیز تأکید می‌شود که او نه تنها به جان زنان و کودکان رژیم صهیونیستی توجهی ندارد، بلکه حاضر است در راه رسیدن به اهداف خود، جان دخترش را نیز به خطر بیندازد. در نقطه مقابل، مأموران رژیم صهیونیستی چهره‌ای دلسوز و مراقب دارند و در چند موقعیت سریال، با تمام توان برای درمان و مراقبت از

کودکان فلسطینی تلاش می‌کنند. این تقابل باعث می‌شود مخاطب این پیام را دریافت کند که تنها در سایه امنیت رژیم صهیونیستی است که جان انسان‌ها اهمیت و ارزش واقعی پیدا می‌کند.

۲. افول تفکر افراطی فلسطینیان: سریال، بدون آنکه کوچک‌ترین اشاره‌ای به اشغالگری و نقض حقوق بشر توسط رژیم صهیونیستی داشته باشد، تفکری از فلسطینیان را که نماد آن چفیه و عملیات استشهادی است، به شدت بی‌منطق، جنایت‌کار و افراطی نشان می‌دهد. این گروه که خواستار نابودی رژیم صهیونیستی هستند و در راه رسیدن به این هدف حاضرند جان زنان و کودکان بسیاری را فدا کنند، نه تنها از سوی رژیم صهیونیستی بلکه حتی از سوی سایر گروه‌های مبارز فلسطینی نیز محکوم و طرد می‌شوند. در مقابل، سایر گروه‌های فلسطینی با وجود اختلافات گذشته، اکنون به تعامل و همکاری با رژیم صهیونیستی رسیده‌اند و این همکاری باعث کاهش بحران‌ها و حل مشکلات شده است. در حقیقت، سریال این پیام را منتقل می‌کند که تفکر افراطی و تندرو دیگر هیچ جایگاهی در میان مردم و مبارزان فلسطینی ندارد.

۳. حذف اشاره به اشغالگری و نقض حقوق بشر: یکی از نکات مهم سریال، پرهیز آشکار از اشاره به اشغال سرزمین‌های فلسطینی و نقض حقوق بشر توسط رژیم صهیونیستی است. تمام تمرکز روایت بر تهدیدات ناشی از فلسطینی‌ها و اقدامات تروریستی آن‌هاست و هیچ اشاره‌ای به رفتارهای خشونت‌آمیز و نقض حقوق از سوی رژیم اشغالگر نمی‌شود. این رویکرد باعث می‌شود که رژیم صهیونیستی تنها به عنوان حافظ امنیت و قانون‌مداری به تصویر کشیده شود که در برابر تهدیدات داخلی و خارجی مجبور به واکنش است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی بازنمایی رژیم صهیونیستی در صنعت سینمای آمریکا با تمرکز بر پلتفرم نتفلیکس می‌پردازد. در این بازنمایی، رژیم صهیونیستی همواره در معرض تهدید دائمی قرار دارد و فلسطینیان به عنوان عاملان اصلی بحران و بی‌ثباتی منطقه معرفی می‌شوند. این منطق روایی بر برانگیختن احساس ناامنی در مخاطب استوار است؛ مفهومی که از منظر هرم نیازهای مازلو جزو نیازهای بنیادین انسان محسوب می‌شود. ابتدا محیطی نمایش داده می‌شود که تهدید در آن برجسته است، سپس رژیم صهیونیستی به عنوان نهاد امنیتی سازمان‌یافته و مقتدر معرفی می‌گردد که قادر است ثبات و امنیت را بازگرداند. این ساختار با ایجاد دوگانه «نیروی تهدید» و «ضامن امنیت»، اقدامات نظامی و رژیم صهیونیستی را مشروع، ضروری و طبیعی جلوه می‌دهد، حتی زمانی که این اقدامات به کشته شدن زنان، کودکان و غیرنظامیان فلسطینی منجر شود.

سریال «فتودا» نمونه‌ای بارز از این شیوه بازنمایی است. روایت تصویری این مجموعه با نمایش نیروهای امنیتی منسجم، حرفه‌ای و اخلاق‌مدار رژیم صهیونیستی در برابر نیروهای پراکنده و تهدیدزای فلسطینی، روایتی یک‌سویه و جهت‌دار از منازعه

ارائه می‌دهد. این فرایند هرگونه نقد یا مقاومت علیه اقدامات رژیم صهیونیستی را بی‌اثر می‌کند، مشروعیت مقاومت را تضعیف می‌سازد و زمینه‌های تاریخی و ساختاری شکل‌گیری ناامنی را حذف می‌کند.

در برابر این الگو، تولید گفتمان‌های بدیل ضروری است؛ گفتمان‌هایی که نقش رژیم صهیونیستی در شکل‌دهی به ناامنی و بی‌ثباتی منطقه را برجسته کنند. تنها از طریق چنین بازنمایی‌های متقابل می‌توان سلطه تصویری موجود را به چالش کشید و ادراک مخاطب جهانی را تغییر داد. بی‌توجهی به این بعد امنیت‌محور، اثرگذاری سایر اقدامات رسانه‌ای در سطح جهانی را محدود می‌سازد.

منابع و مأخذ

فارسی

- ۱) اشباح، آخیم؛ ترابانت، یورگن (۱۴۰۰)، متفکران بزرگ نشانه‌شناسی، مترجم: مجتبی پردل، ناشر: ترانه.
- ۲) بودریار، ژان (۱۴۰۴)، وانموده‌ها و وانمود، ترجمه پیروز ایزدی، نشر ثالث.
- ۳) حسینی، مجید؛ افضل، رسول و دیگران (۱۳۹۲)، رسانه و قدرت: سیمای سینمایی خاورمیانه، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲.
- Dor: [۲۰/۱۰۰۱/۱/۱۷۳۵۷۹۰/۱۳۹۲/۸/۲/۷/۶](#)
- ۴) خسروی؛ افسانه، رزمجو؛ علی‌اکبر، عنایتی؛ علی (۱۳۹۴)، دیپلماسی عمومی جدید، بستر ساز قدرت دیپلماسی رسانه‌ای، نشریه: تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۲.
- ۵) ضمیران؛ محمد (۱۳۸۲)، درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر، انتشارات قصه.
- ۶) فیسک؛ جان (۱۳۸۲)، درآمدی بر مطالعات ارتباطی، ترجمه: مهدی غبرایی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ۷) فیسک، جان (۱۳۸۰)، فرهنگ تلویزیون، ترجمه: مژگان برومند، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۹.
- ۸) دبور، گی (۱۳۹۸)، جامعه نمایش، گودرز میرانی، مترجم، انتشارات: علمی و فرهنگی.
- ۹) لوییس؛ ساموئل ۱۳۸۲ تکامل تدریجی اتحاد نانوشتہ آمریکا - رژیم صهیونیستی، نشریه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۱.
- ۱۰) مستکین، عبدالمهدی (۱۳۸۳)، بسترهای اقناع‌سازی روانی حمایت امریکاییان از رژیم صهیونیستی، نشریه مطالعات عملیات روانی، شماره ۶.
- ۱۱) هال؛ استوارت (۱۳۸۷)، گزیده‌هایی از عمل بازنمایی، نظریه‌های ارتباطات: مفاهیم انتقادی در مطالعات فرهنگی و رسانه، ترجمه احسان شاه قاسمی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- ۱ .Al Jazeera. (۲۰۲۰, February ۱۲). Israel's propaganda war waged through TV shows. Retrieved from <https://www.aljazeera.com/opinions/۲۰۲۰/۲/۱۲/israels-propaganda-war-waged-through-tv-shows>
- ۲ .Ashbach, Akhim; Trabant, Yurgen (۱۴۰۰), Bozorgtarin Mofakkeran-e Neshane-shenasi, Trans. Mojtaba Pardel, Publisher: Taraneh. [In Persian]
- ۳ .Baudrillard, Jean (۱۴۰۴), Vanmoude-ha va Vanmoud, Trans. Pirouz Izadi, Nashr-e Sales. [In Persian]
- ۴ .BDS Movement. (۲۰۱۸, April ۱۷). Netflix, time to nix war crimes glorifying series. Retrieved from <https://bdsmovement.net/news/netflix-time-nix-war-crimes-glorifying-series>
- ۵ .Debord, Guy (۱۳۹۸). Jame'e-ye Namayesh, Goodarz Mirani (trans.), Publisher: Elmi va Farhangi. [In Persian]
- ۶ .Fiske, J. (۱۹۸۷). Television culture: Popular pleasures and politics. London: Methuen & Co. Ltd
- ۷ .Fiske; John (۱۳۸۰), Farhang-e Televiziyon, Trans. Mozhgan Bromand, Quarterly: Arghoun, No. ۱۹. [In Persian]
- ۸ .Fiske; John (۱۳۸۲), Daramedi bar Motale'at-e Ertebati, Trans. Mehdi Ghabraei, Tehran: Office of Media Studies and Development. [In Persian]
- ۹ .FlixPatrol. (۲۰۲۳, July ۲۴). Most watched TV shows from Israel in ۲۰۲۳. FlixPatrol. https://flixpatrol.com/most-watched/۲۰۲۳/tv-shows-from-israel-grouped/?utm_source
- ۱۰ .Frey, T. (۲۰۲۳). Netflix and the global streaming industry. Publisher.
- ۱۱ .Hall, S. (۱۹۹۷). Representation: Cultural representations and signifying practices. London: Sage Publications & Open University.
- ۱۲ .Hall; Stuart (۱۳۸۷), Gozideh-ha-i az Amal-e Baznemayandi, Nazariyeh-haye Ertebatat: Mafahim-e Enteghadi dar Motale'at-e Farhangi va Rasaneh, Trans. Ehsan Shahghasemi, Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. [In Persian]
- ۱۳ .Hanson, D. (۲۰۲۰, July ۲۴). Who owns Netflix? Biggest shareholders and ۹ hedge funds with huge positions. TIKR. <https://www.tikr.com/blog/who-owns-netflix?utm>
- ۱۴ .Hosseini, Majid; Afzali, Rasul & Digaran (۱۳۹۲), Rasaneh va Qodrat: Simay-e Sinemai-ye Khavarmiyaneh, Research Journal of Political Science, Year ۸, No. ۲. Dor: ۲۰, ۱۰۰, ۱, ۱۷۳۵۷۹۰, ۱۳۹۲, ۸, ۲, ۷, ۶ [In Persian]
- ۱۵ .Khosravi; Afsaneh, Razmjoo; Ali-Akbar, Enayati; Ali (۱۳۹۴), Diplomasi-ye Omumi-ye Jadid, Bastarsaz-e Qodrat-e Diplomasi-ye Rasaneh-i, Journal: Political and International Research, No. ۲۲. [In Persian]
- ۱۶ .Lewis; Samuel (۱۳۸۲), Takamol-e Tadarroji-ye Ettihad-e Neveshteh-ye Amrika – Rezhim-e Sahyunisti, Journal: Regional Studies, No. ۱. [In Persian]
- ۱۷ .Mastakin, Abdolmahdi (۱۳۸۳), Bastar-ha-ye Eghna'-sazi-ye Ravani-ye Hemayat-e Amrika-ye Rezhim-e Sahyunisti, Journal: Psychological Operations Studies, No. ۶. [In Persian]
- ۱۸ .Mingers, J & Willcocks, L. (۲۰۱۷). An integrative semiotic methodology for IS research. Information and Organization. Volume ۲۷, Issue ۱.
- ۱۹ .Mondoweiss. (۲۰۲۰, December ۱۵). ICRC takedown of 'Fauda' hits a nerve. Retrieved from <https://mondoweiss.net/۲۰۲۰/۱۲/icrc-takedown-of-fauda-hits-a-nerve/>
- ۲۰ .Reuters. (۲۰۱۸, April ۱۸). Hollywood executives back Netflix over anti-Israel 'Fauda' boycott. Retrieved from <https://www.reuters.com/article/lifestyle/hollywood-executives-back-netflix-over-anti-israel-fauda-boycott-idUSKCN۱HB۳۴۴/>
- ۲۱ .The Guardian. (۲۰۱۸, May ۲۳). The next Homeland? The problems with Fauda, Israel's brutal TV hit. Retrieved from <https://www.theguardian.com/tv-and-radio/۲۰۱۸/may/۲۳/the-next-homeland-problems-with-fauda-israel-brutal-tv-hit>
- ۲۲ .Yosef, R. (۲۰۲۳). Contemporary Israeli cinema: Trauma, ethics and temporality. Routledge.
- ۲۳ .Zamirian; Mohammad (۱۳۸۲), Daramedi bar Neshane-shenasi-ye Honar, Entesharat-e Ghesseh. [In Persian]

Legitimization through Security: The Construction of the Zionist Regime in Netflix Series (۲۰۱۳–۲۰۲۳) Case Study: Fauda

Seyed Majid Emami, Assistant Professor, Department of Culture and Communications, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communications, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: s.m.emamy@isu.ac.ir

Fatemeh Shahrabi Farahani, Ph.D. Candidate, Department of Culture and Communication, Baqir-ul-Uloom University, Qom, Iran. Email: shahrabi14@gmail.com (Corresponding Author)

Extended Abstract

Introduction

The emergence of online streaming platforms has transformed the traditional order of cultural production and distribution. Among these platforms, Netflix, as one of the most influential global actors, plays a significant role in shaping political and cultural perceptions across different societies. Through its content selection and narrative strategies, Netflix functions not merely as a media distributor but as a political and cultural agent that contributes to the representation of conflicts and the legitimization of specific discourses. In this context, the Zionist regime is one of the actors that has actively utilized this capacity to reconstruct and enhance its international image.

Methodology

This study employs a qualitative research approach grounded in Stuart Hall's theory of representation. The analytical framework is based on John Fiske's semiotics, focusing on three levels of analysis: the level of reality, the level of representation, and the level of ideology. The selected case study is the series Fauda, chosen for its international success, broad global audience on Netflix, reception of prestigious television awards, multilayered representation of the Zionist regime's security and social discourses, and its engagement with cultural tensions and identity conflicts within Israeli society.

Findings

The semiotic analysis of *Fauda* reveals that the central discursive axis of the series is built upon the concept of security. This concept operates as both a moral asset and a legitimizing tool for the Zionist regime and is embedded throughout the narrative and visual representation. Within this framework, the actions of the regime toward Palestinians are depicted as necessary and legitimate responses, whereas Palestinians are portrayed as fragmented actors lacking cohesion and political rationality. Themes such as the disregard of Palestinian militants for civilian lives, the decline of extremist movements in Palestine, and the erasure of narratives related to occupation and human rights violations collectively serve to reinforce a security-oriented and legitimizing discourse.

Conclusion

The findings indicate that Netflix, through representations such as *Fauda*, contributes to the reproduction and dissemination of the Zionist regime's security discourse on a global scale. In this mediated construction, the Zionist regime is framed as the guarantor of security and stability, while Palestinians are depicted as the source of crisis and regional threat. By foregrounding threat and silencing the historical and political contexts of occupation, the narrative directs global audiences toward empathy with the Zionist regime's security forces. The binary opposition of "threat" versus "security guarantor" becomes a powerful mechanism for legitimizing violence and repression, delegitimizing Palestinian resistance, and framing any counteraction as irrational. In response to this hegemonic pattern, the production of alternative discourses becomes imperative. Such counter-discourses should expose the Zionist regime's actual role in generating insecurity and regional crises, thereby raising global awareness of the concealed dimensions of security-oriented narratives. Only through these counter-representations can the visual and discursive dominance of the Zionist regime in global media and culture be effectively challenged.

Keywords: Netflix, Zionist regime, representation theory, semiotics, *Fauda*